



برای خاطر چه کسی بمیریم؟

وقتی جهت گیری کلیت یک جامعه، یک سازمان، یک مجموعه غلط بود، تلاش های فردی هر چه هم در آن جامعه انبوه باشد، نتیجه خودش را نخواهد بخشید...
 ز امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که فرمودند: اگر سر رشته نظام یک جامعه به دست انسان های فاسد و ناپاب و ستمگر و منحرف باشد، حرکات مؤمنانه افرادی که در این جامعه هستند، به جای نمی‌رسد؛ و اگر در آنچنان جامعه ای کسانی تسلیم باشند و از آن ستمگران اطاعت کنند، خدا آنها را هم عذاب می کند. البته در همین حدیث، عکسش هم هست...
 چنان مطلب این است که اگر چنانچه در یک نظامی، در یک مجموعه ای، در یک کشوری، در یک جامعه ای، حاکمیت و نظام، نظام الهی است، نظام عادلانه است، آن کسانی که اطاعت از این نظام می کنند، مورد عفو الهی هستند؛ ولو خطاهای هم داشته باشند.

امروز ارتش یکی از مردمی ترین نهادهای کشور ماست... درست است که ارتش ها در دنیا با شمار حفظ منافع ملی به وجود می آیند به به کار گرفته می شوند، اما واقعاً همین جور است؟ ارتش آمریکا در عراق، ارتش آمریکا در افغانستان، منافع ملی آمریکا را حفظ کرده ملت آمریکا از اشغال افغانستان سود برد؟ از کشتار مردم افغانستان خرسند و راضی شد؟ از این که سربازان مزدورش بیایند مردم را به گوله بینند، بعد چنانه هاشان را مٹله کنند، بعد با اجزای بدن آنها عکس یادگاری بگیرند، منافع آمریکا تأمین شود؟ اگر کسی از سرباز رژیم ایالات متحده بیوسد آقا شما این ارتش وسع در، این تجزیهات مدرن و فوق مدرن را برای ای چه می خواهید، جواشبان این است: برای منافع ملی. اما آیا راست می گویند؟

... غالباً در دنیا این جور است؛ ارتش ها به اسم منافع ملی تشکیل می شوند، اما در خدمت منافع ملی نیستند؛ در خدمت طایفه ملی های سیاسی اند. در طول تاریخ هم همین جور بوده. از اینجا بلند شوند، پیش از یک میلیون سرباز را بردارند بزند طرف یونان – اینجا افتخارات تاریخی طاغوت ماست؛ خشایار شاه – برای اینکه نتوانند یونان را بگیرند؛ بعد هم شکست خورده و کشتی شکسته و نابودشده برگردند به کشور. اینها برای منافع ملی نبوده.

اوائل انقلاب، در یکی از این کاخ های سلطنتی که یک بخشی از نیروی ارتش را آنجا برای پاسداری متمرکز کرده بودند، یک تابلویی آن بالا زده بودند که مضمونش این بود: ما – یعنی ارتش – اصلاً برای حفظ جان این طاقوت تشکیل شده ایم؛ خب، این خیلی فاصله دارد با منافع ملی. اگر ما در دنیا ارتش را پیدا کنیم که اعتقادش مثل اعتقادات مردم، احساساتش مثل احساسات مردم، خودش نه در خدمت اشخاص و افراد، بلکه در خدمت مردم و در خدمت منافع ملی به معنای حقیقی باشد، این ارتش خیلی ارزش دارد؛ این ارتش شماست. من مورد دیگری را واقعاً سراغ ندارم.

... تا الان من واقعاً چنین ارتشی سراغ ندارم؛ ارتشی که نه در خدمت قدرت طلبی های شخصی است، نه برای اشخاص می میرد. این را من باید تأکید کنم؛ نه خدا راضی است، نه احکام اسلام اجازت می دهد که ما گویم ارتش ما، یا نیروهای مسلح ما، یا عناصر ما، برای خاطر فلان آدم بمیرند؛ نه. برای این خاطر اسلام، همه بمیرند؛ قتال آدم هم برای خاطر اسلام میسر است. برای برافراشتن نگهداشتن پرچم استقلال کشور – که کشور اسلامی است، همه آماده باشند برای مردن در این راه؛ که این مردن، اسمش شهادت است. در این صورت، این ارتش می شود ارتش الهی و معنوی؛ این ارتش میشود ارتش اسلامی.

امروز کج جریانی در دنیا به وجود آمده است که همه دانسته اند و شناخته اند که این جریانی با نظام سلطه مخالف است. ما با اشخاص مسئله ای نداریم – اشخاص مال این طرف دنیا، مال آن طرف دنیا؛ بالا، پایین – مسئله، مسئله نظام سلطه سلطه است. نظام سلطه یعنی چه؟ یعنی آن سازو کاری در دنیا که کشورها و ملت های دنیا تقسیم می شوند به دو قطعه: سلطه گر و سلطه پذیر. حالا بعضی ها از همین سلطه گران حبیب، این معنا و این مضمون را کتمان و انکار می کنند، به زبان نمی آورند؛ اما بعضی هم روی پلاحت ذاتی ای که دارند، این را به زبان می آورند؛ مثل آن رئیس جمهوری قلمی آمریکا که صریح گفت: در قضیه ی افغانستان و قضیه برجهای دوقلو و این چیزها، هر کس با آمریکا نیست، علیه ماست؛ خب، این حماقت است.

مشکل دستگاه های قدرتمند سلطه گر دنیا این است که امروز یک جریانی در عالم به وجود آمده که با این سازو کار مخالف است. در مرکز این جریانی، ایران اسلامی است...
 هر حرکت های تاریخی اگر چه به نظر دغمی می آید، اما هیچ کدام دغمی نیست، تدریجی است؛ منتها منتظر یک نقطه نشتر خوردن است؛ یک حادثه ای پیش بیاید، یک قضیه ای اتفاق بیفتد، ناگهان آن استفاده، آن نیروی مترکمی صریح می جمع شده، خودش را نشان می دهد و از آدم می کند؛ می شود مثل عده ای مثل بقیه جاها.

یک فرمانده نظامی اوائل انقلاب آمد پیش من، یک جمله ای گفت، من خیلی از این جمله خوشم آمد که تا حالا هم یادم مانده است. گفت: در فرماندهی، عنصری یا جزئی از بهری وجود دارد. شماها فرماندهان آینده نیرو و ارتش هستید؛ باید قدرت رهبری را در خودتان تقویت کنید. فرماندهی، یعنی یکن و نکن، امر و نهی، رهبری، یعنی حرکت، رفتار و نشان دادن شخصیتایی که جای آن یکن و نکن را بگیرد؛ بدون یکن و یکن، حرکت ایجاد کند؛ حرکتی از روی دل. به جای ارتباط گرفتن با جسم ها، باید با دل ها ارتباط وجود داشته باشد؛ این را باید در خودتان به وجود بیاورید و در خودتان تقویت کنید. اگر این شد، آن وقت پیروزی برای کشور ما و برای ملت ما حتمی است.

این... نت



تفکر، آینه ای است که خوبی ها و بدی هایت را به تو نشان می دهد... امام رضا سلام الله علیه

چه بی نیامه می خواهم ای دوری ات، آزمون سخت زنده به گوری...

بر فاطمه(س) آن کوشن قرآن صلوات/ بر حاصی شاهنشاه مردان صلوات
 بفرست به خون خواهی آن مظلومه/ بهر فرج مهدی دوران صلوات

عشق آن است که اگر تو در سفر باشی، من نیز نماز را شکسته بخوانم

می کن با هر کی دوست باشی، شکل و فرم اونو می گیری. فکرو شو یکن
 اگه با خدا دوست باشی چه شکلی می شی...

بخشید... چند لحظه!

امسال ستون های چریبی به صفحه آمده و خواهد آمد
 ثنیا بنویسید که چه خطایی می پسندید؟
 مصاحبه بلند، گفت و گوهای کوتاه با چهره ها، گزارش های
 انفجاری، یادداشت، راستان...
 شما به با خط برهید و در ستون های جدید شریک شوید:

سوزه پدید، صفحه تعویلی بگیرد!
 علاوه بر امین میرزا با این شماره با ما تماس بگیرید: ۳۳۹۴۱۹۹۱
 برای رویت «انتها کیفت» به نسخه ی پی اف
 در سایت کیمهان و صفحه نسل سوم مراجعه کنید:
 WWW.KAYHANNEWS.IR



یکی از کتاب های «دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان» قطعاً برای بسیاری از خوانندگان صفحه «نسل سوم» روزنامه که با ادبیات و طنز انس بیشتری دارند، جذاب تر است. حاج «حسین شریعتمداری» با این همه مشغله کاری و برنامه های روزانه و وسواس و نظم نوشتاری و فکری، ما را

در عرصه سیاست ایران و منطقه، بلکه در حوزه ژورنالیسم و مطبوعات شناخته شده است و تا چند سال پیش یعنی در اواخر دوران موسوم به اصلاحات که نام شریعتمداری به عنوان نویسنده این ستون مطرح شد، کمتر کسی از ذوب ادبی و فکاهی مدیرمسئول کیهان خبر داشت. با مطالعه کتاب «گفت و شنود» نه تنها به حوادث ایام «فته سبز» باز می گردیم، بلکه لطافت و قصص زیبایی نیز از حافظ و دیگر قله های ادبیات فارسی میان آن ها پیدای می شود. در یک جمع بندی می توان گفت که مجموعه کتاب های «نیمه پنهان» (که پیش از این کتاب «نیمه پنهان اشرف پهلوی» را در صفحه «نسل سوم» به شما معرفی کردیم) سال خوبی را پشت سر گذاشته است؛

نمایشگاه با طعم کیهان

کتاب هایی که خوردنی است

دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان امسال با ۴ کتاب جدید در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران که از امروز افتتاح می شود، حضور دارد. کتاب های «گفت و شنود»، اثر «حسین شریعتمداری»، «رازهای دهه شصت»، نوشته مرتضی صفارهندی، «ارتش سری روشنفکران»، نوشته پیام فاضلی نژاد و کتاب «طریقت تزویر»، تألیف ح. کریمی آقاری است که در غرفه انتشارات کیهان، در نمایشگاه می تواند خلا مطالعاتی جوانان و اهل مطالعه و حتی علاقه مندان به پژوهش را جبران کند.

بدین ترتیب که پیام فاضلی نژاد پس از سه چهار سال که خبر چاپ کتابی پس از کتاب پرفروش «شوالیه های ناتوی فرهنگی» از او به گوش می رسید، توانسته است تا کتاب «ارتش سری روشنفکران» (تاریخ اندیشه سیاسی معاصر- ۱) را به پایان برساند. کتاب قبلی فاضلی نژاد هم (شوالیه های ناتوی فرهنگی) اکنون به چاپ پانزدهم رسیده است. کتاب «ارتش سری روشنفکران» نیز توسط «دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان» در ۴۶۴ صفحه، قطع رقعی و قیمت ۹ هزار تومان به بازار کتاب آمده و گفته می شود از اولین روز نمایشگاه بین المللی کتاب تهران عرضه خواهد شد. پاورقی این کتاب مانند دیگر آثار مجموعه «نیمه پنهان» از دی سال قبل در روزنامه چاپ شد و تا فروردین

می توان محصول تجربه هایی دید که از چند جهت برای نسل جوان قابل استفاده است؛ این کتاب مهم ترین و جنجالی ترین و پرهیجان ترین حوادث تاریخ انقلاب در سال های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ را دربرمی گیرد. نویسنده با استناد به اسناد و منابع مورد وثوق سیاسی توانسته است در پاسخگویی به برخی شبهات سیاسی مطرح در خصوص رجال و حوادث و وقایع ورود خوبی داشته باشد. چهارمین کتاب از مجموعه کتاب های «دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان» «تبارشناسی جریان های سیاسی معاصر» (۱ و ۲) است. «رازهای دهه شصت» را می توان محصول تقیه های کاذب عرفانی پرداخته است. مجموعه «نیمه پنهان» کتابی است که قیلا داستان هایی درباره فرقه های ضاله بهائیت، گلد کوئیست و... در قالب «داستان مستند» منتشر کرده بود، این بار در حیطه عرفان های کاذب و در همان قالب به چاپ کتاب پرداخته است. دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان یک پیشینه یاد قابل توجه و لازم را در مقدمه یکی از کتاب های جدید مطرح کرده است: اینکه کتاب های ارزشی و اصول گرا که روایتگر تاریخ انقلاب هستند، به عنوان کتب مرجع دانشگاهی به دانشجویان معرفی شوند و در دانشگاهها تدریس شوند، اما تا زمانی که خبرها از یک جامعه فرهنگی در حوزه های «زن روز» در حال چاپ است. فرهنگ نظیر «مؤسسه شهر کتاب» حکایت می کند، نمی دانیم باید امیدوار باشیم که اتفاق ریشه ای رخ دهد تا بسط انقلاب اسلامی است، کم- محدود شود یا نه؟

نمایشگاه کتاب هم امسال تغییراتی کرده است و امکانات بهتری را مؤسسه کیهان برای عرضه آثارش و حتی دیدار نویسندگان کتاب ها با مخاطبان فراهم ساخته است. درباره کتاب های آینده «نیمه پنهان» هم خبرهایی داریم. یکی اینکه پس از سال ها، مجموعه آثار حسین

دنیای فرقه های انحرافی و کاذب عرفانی پرداخته است. مجموعه «نیمه پنهان» کیهان که قیلا داستان هایی درباره فرقه های ضاله بهائیت، گلد کوئیست و... در قالب «داستان مستند» منتشر کرده بود، این بار در حیطه عرفان های کاذب و در همان قالب به چاپ کتاب پرداخته است. دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان یک پیشینه یاد قابل توجه و لازم را در مقدمه یکی از کتاب های جدید مطرح کرده است: اینکه کتاب های ارزشی و اصول گرا که روایتگر تاریخ انقلاب هستند، به عنوان کتب مرجع دانشگاهی به دانشجویان معرفی شوند و در دانشگاهها تدریس شوند، اما تا زمانی که خبرها از یک جامعه فرهنگی در حوزه های «زن روز» در حال چاپ است. فرهنگ نظیر «مؤسسه شهر کتاب» حکایت می کند، نمی دانیم باید امیدوار باشیم که اتفاق ریشه ای رخ دهد تا بسط انقلاب اسلامی است؟

نقد سوم

شاید هنوز عرق (!!) برنامه این هفته «هفت» خشک نشده که می نویسم. شاید احساس خطری است که می بینم و شاید ماها که خیلی وقت است از صدا و سیما زده شدیم و برنامه هایش را نمی بینیم این خطر را هم نبینیم. گفت و گویی که مجری برنامه، فریدون جبرانی با مسعود ده نمکی داشت و ۴۰ دقیقه ای طول کشید. در این خلاصه می شد که آقای ده نمکی! تو نماینده قشر معترض متدین مسیاهی که اهل فیلم دیدن نیستی و اصلا تخصصت نیست. اما می خواهی تو سینما وارد شین و چیزی که به شما مربوط نیست را بگیرد. حالا که قدرت دست شماست و همه چی دست خودتونه؛ ارشاد و شورای عالی سینما دست شماست؛ این جوریم که بوش میاد، خانه سینما رو هم که منحل کردید، ما زورمون نرسید کاری کنیم. حد اقل ما رو ناکت بکنید. ما رو هم که صریحا می گیم، ما قشر روشنفکری هستیم به رسمیت بشناسید و ما هم سهم می خواهیم. هنر مزموع با فضای روشنفکری است و به قول شما، «درصد و نکت به بالا هم وجود دارند و باید بهوش احترام بنارید. ولی ما روشنفکرها رو به رسمیت بشناسید و...» دقیقاً بعد از این گفت و گو هم که فیلم نارنجی پوش مهرجویی را قرار بود بررسی کنند و بر خلاف عرف، به بهانه حفظ احترام برخی ها، فراموشی را دعوت نکردند و به نقد فیلم پرداختند. بلکه طی یک گزارش و مصاحبه از مهرجویی در منزل او، او را پندر روشنفکری سینما خواندند...

برداشت ۲



است. در آلمان برای هر ۷ هزار و ۵۰۰ نفر یک کتابخانه موجود است و در ترکیه برای ۶۸ هزار و ۵۰۰ نفر. این در حالی است که در ترکیه برای هر ۹۵ نفر یک قهوه خانه موجود است. آلمان ۲۵ هزار و میانگین آن در اروپا ۱۶ هزار بوده و این در حالی است که آمار در ترکیه رقم ۶ هزار و نشان می دهد.»

بوی بارون



این دل اگر کم است بگوسر بیاورم
 یا امر کن که یک دل دیگر بیاورم
 خیلی خلاصه عرض کنم: دوست دارم!
 (دیگر نشد عبارت بهتر بیاورم)
 از کشف آشیانه ای خود برای تو
 باید که چند جفت کبوتر بیاورم
 از هم فرو میاش، برای بنای تو
 باید بلور و جینی و مرمر بیاورم
 وقتش رسیده این غزل نیمه سوز را
 از کوره های خود خوری ام در بیاورم

فلاش بک

هر ایرانی یا غیرت که تاب خواندن خیانت دولت و نمایندگان مجلس و به ویژه شاه را دربار بحرین ندارد، متن زیر را که مشروح مذاکرات مورخ ۹/۹/۱۳۵۰ در صحنه علنی مجلس است، نخواند؛ دوستداران نظام شاهنشاهی نیز در این داوری دریابند که «ملا و کلای ملت» دستنی دسترسی بحرین عزیز را از کشورمان جدا کردند و نمایندگان با گفتن جاویدشاه و آفرین و استست



به صلح طلبی او بر این خیانت صحنه گذارند! حالا همان منطقه خودی، برای جزایرمان شاخه و شانه می کشد! دقت کنید که سهم قرارداد نفتی ما نیز به برادران عزیزمان در شارجه می رسد در این توافق تاریخی!

مجلس شورای ملی دوره ۲۳ جلسه ۱۷ مورخ ۹/۹/۱۳۵۰ مجلس ساعت ده و چهل دقیقه صبح به ریاست عبدالله ریاضی تشکیل گردید. گزارش نخست وزیر در مورد استقرار نیروهای مسلح شاهنشاهی ایران در جزایر تب بزرگ و کوچک و نقاط مورد نظر جزیره ابوموسی رئیس: این جلسه فوق العاده تشکیل شده است برای اینکه آقای نخست وزیر مطالبی ارائه دارند که به اطلاع مجلس شورای ملی برسانند. جناب آقای نخست وزیر فرمایید.

نخست وزیر(امیرعباس هویدا): با کمال خوشوقتی خاطر نمایندگان محترم و هم میهمان عزیز را مستحضر می دارم که امروز صبح ساعت شش و پانزده دقیقه نیروهای مسلح شاهنشاهی ایران در جزایر تب بزرگ و کوچک پیاده شدند و همچنین در نقاط مورد نظر جزیره ابوموسی استقرار یافتند(کف زدن منتد نمایندگان) و ساعت شش و پنجاه دقیقه پرچم ایران بر فراز کوه حلوا یعنی مرتفع ترین قله جزیره ابوموسی به اهتزاز درآمد(کف زدن منتد نمایندگان)

بدین ترتیب پس از مدتی قریب ۸۰ سال که سیاست استعمار علی رغم حقوق مسلم تاریخی مانع از اعمال حاکمیت ایران بر این جزایر شده بود در نتیجه سیاست مدبرانه علیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر (کف زدن منتد نمایندگان) و پس از مذاکرات طولانی و پیگیر با دولت انگلیس دوباره این جزایر تحت سلطه ایران قرار گرفت(احسنت- آفرین) (دکتر صدر: جاوید شاه)

بعد از حل موضوع بحرین که در نتیجه سیاست صحیح و منطقی ایران حاصل شد فیصله این مهم از طریق مسالمت آمیز بار دیگر اصالت سیاست خارجی ایران به ثبوت رسید و درعین حال با امحاء آخرین اثر استعمار از خلیج فارس راه برای همکاری نزدیک و همه جانبه با برادران آن سوی خلیج فارس باز گشت و موجب نهایت خرسندی است که اکنون به رعایت حسن همجواری که از اصول مسلم سیاست متعلق ملی ایران است عدم توسل به زور در حل این امر خود دلیل بارز آن می باشد خواهیم توانست با مردم تمام نواحی مجاور خلیج فارس با یگانگی وفارغ از هر نوع نگرانی خواه از جهت منافع ملی ایران و خواه از نظر امنیت منطقه و صلح بین المللی در حال و آینده همگامی و همکاری می سازند بار داشته باشیم(احسن) یک نکته ضروری که لازم است در این فرصت اعلام دارم این است که دولت شاهنشاهی ایران به هیچ وجه من الوجوه از حق سلطه و حاکمیت مسلم خود بر سراسر جزیره ابوموسی صرف نظر نکرده و نخواهد کرد(احسن) و بنابراین حضور ما مورین محلی در قسمتی از جزیره ابوموسی نباید به هیچ عنوان منافعی یا منافع با این سیاست اعلام شده تعبیر و تالیقی شود(احسن)

مطلب دیگر آن که دولت شاهنشاهی ایران برای اثبات کمال حسن نیت خود در حل این مهم از طریق مسالمت آمیز قرارداد نفتی که قبلاً بین شارجه و یک شرکت نفتی بسته شده بود در چهارچوب مقررات اخیر اوپک تطبیق داد تا در لحاظ ایران بتواند مورد قبول باشد و موافقت نمود اگر نفتی هم به دست آید در آمان برای پیشرفت برادران شارجه ایران و شاهنشاهی ایران خواهند بود...